



# میزگرد بررسی

## وضعیت نشر و پژوهش

### فرش در ایران



«ایرانیان بر نقاشی راه می‌روند و به زبان شعر سخن می‌گویند»

این سخن دیگر از حد یک اظهار نظر عادی گذشته است. آن خاورشناس اروپایی که در سده‌ای پیش از این، این عبارت را بر زبان راند هرگز تصور نمی‌کرد که روزگاری سخن او به ضرب المثل و کلیشه‌ای در زبان اروپاییان تبدیل شود. به هر حال هر چه باشد واقعیتی است که پا نهادن بر نقاشی — فرش — عادت دیر سال ایرانیان بوده است و بنابراین نوشتن دربارهٔ این هنر — یا این صنعت که اکنون از سینما هم تجاری تر شده است —، شناسایی و شناساندن آن و هر کوششی برای ارتقا و اعتلای این رسانهٔ فرهنگی — صنعتی — تجاری، کارکردی چند جانبه خواهد داشت. از سوی دیگر فرش چنان با تاروپود دین، شعر و ادبیات، هنر، شیوهٔ زندگی و حتی اقتصاد ایرانیان از دیر باز تاریخ تاکنون گره خورده است که اغراق نیست بگوییم یک قطعه فرش واقعاً هنری یک جلد کتاب تاریخ و فرهنگ ایرانیان است که با انگشتان قالی بافی معمولاً بی‌سواد نگاشته شده است.

هم از این رو گفت و گویی داریم با صاحب‌نظران و آگاهان در این زمینه که بر ما منت گذاشته، در یک میزگرد دربارهٔ مشکلات موجود و نگرش‌های گوناگون به بحث پرداختند. صاحب‌نظرانی که در این بحث ما را یاری کردند عبارتند از: مهندس شیرین صوراسرافیل، دکتر سیروس پرهام، دکتر علی حصوری، دکتر کیخسرو سبحه و دکتر جلال بضم که از یکایک آنها سپاسگذاریم.



دکتر پرهام

خانم صوراسرافیل:  
 به طور کلی چون  
 تولید فرش توسط طبقات حاشیه‌ای  
 و پایین جامعه چون روستاییان  
 و عشایر صورت می‌گرفته  
 به این حرفه با ارزش  
 توجهی نشده است.

○ در ابتدا اگر در ارتباط با تاریخچه صنعت فرش ایران نکته‌ای را لازم می‌دانید بفرمایید.

● دکتر پرهام: موضوعی که در ابتدا به نظر می‌رسد، معرفی نخستین تحقیقات و پژوهش‌هایی است که تقریباً از اواخر دوره قاجاریه به صورت گزارش تهیه و ارائه شده است. از جمله قدیمی‌ترین کارها، در زمینه بررسی فرش ایران، کتابچه‌ای است که نایب اول سفارت ایران در اتریش، حدود یک‌صد و بیست سال پیش، یعنی در سال ۱۲۹۹ هـ. ق، منتشر کرده و آقای ایرج افشار در یکی از شماره‌های مجله آینده آن را معرفی کرده است.

این گزارش در ارتباط با شیوع رنگ‌های ناپایدار جوهری در قالی‌بافی ایران و صدماتی است که به صادرات و شهرت فرش ایران در خارج از کشور وارد شده بود. مورد دیگر گزارشی است معروف به «رپرت کمیسیون فوق‌العاده تحقیق درباره تجارت قالی رنگین به رنگ‌های جوهری».

در زمان احمدشاه قاجار به علت مصرف زیاد رنگ‌های جوهری در قالی ایران که لطمه فراوانی به بازار فرش زده بود، دولت کمیسیون فوق‌العاده‌ای را جهت بررسی و ارائه راهکار برای مقابله با این مشکل تعیین کرد. گزارش این کمیسیون که در سال ۱۳۳۲ هـ. ق، و در دوره نخست وزیر مستوفی‌الممالک ارائه شد، منجر به تعیین جرایم جدول‌بندی شده‌ای در مورد فرش‌هایی که با رنگ‌های جوهری یافته می‌شود، گردید. البته اضافه کنم که قبل از تشکیل کمیسیون فوق‌العاده ابتدا (حدود سال ۱۳۰۱ هـ. ق) دولت ورود رنگ‌های جوهری را ممنوع کرد و چند سال بعد این‌گونه فرش‌ها در گمرک معدوم و رنگ‌های جوهری وارد شده نیز آتش زده می‌شد. همچنان که در سال ۱۳۲۲ هـ. ق، این کار در چند مورد انجام گرفت. در پی تصمیم دولت مستوفی‌الممالک و تعیین جریمه‌های نقدی تعدادی از تجار فرش به دلیل داشتن مقدار زیادی فرش آماده صدور و سرمایه‌گذاری صورت گرفته از دولت برای حذف تدریجی استفاده از رنگ‌های جوهری فرصتی می‌خواهند که در نتیجه جدول دیگری تهیه می‌شود و جریمه‌های تصاعدی به تدریجی تنظیم می‌شود که پس از چهار سال از مصرف رنگ جوهری به طور کلی خودداری می‌شود. البته، هیچ یک از این تصمیمات در

دکتر پرهام:  
 تاجرانی مانند سیسیل ادواردز،  
 مامفورد و موری ایلند  
 اطلاعات خود را  
 به طور غمده از فرش فروشان  
 و دلالان بازار فرش  
 به دست می‌آوردند  
 که جنبه تحقیق و تفحص  
 علمی نداشت.  
 بنابراین اغلب کتاب‌های خارجی  
 نوعی رونویسی  
 از دست یک‌دیگر است.  
 و تکرار این اشتباهات  
 و مطالب نادرست  
 به نوعی جنبه قطعی و مسلم  
 پیدا می‌کند

و از نوعی حرمت برخوردار می‌شود  
 که خارج کردن آن از ذهن‌ها  
 بسیار دشوار خواهد شد.



درازمدت اعمال نمی‌شود و مصرف رنگ‌های جوهری همچنان ادامه می‌یابد.

● در مورد نخستین کتاب‌های فرش‌شناسی در ایران هم توضیحاتی بفرمایید.

اما در مورد اولین کتابی که در مورد قالی ایران به فارسی چاپ شد: کتاب کوچکی بود در حدود ۱۵۰ صفحه که در سال ۱۳۴۴ با استفاده از کارهای سیسیل ادواردز و پرفسور پوپ تهیه شده بود. کتابی هم با نام هنر و صنعت قالی در ایران توسط آقای منصور ورزی تهیه گردید، که البته تکیه بر صنعت رنگرزی پشم دارد.

خود من هم کتابی با نام قالی بولورزی در سال ۱۳۵۲ منتشر کردم و اثری هم چاپ شد که کار آقای دکتر چینی بود. همچنین باید به مقالات منتشر شده، پایان‌نامه‌ها، مجموعه سخنرانی‌ها و پژوهش‌های صورت گرفته از جمله پژوهشی که آقای دکتر حبیبی در مورد قالی‌های منطقه کاشان و یا دکتر فیروز توفیق در مورد فرش آذربایجان انجام دادند نیز اشاره کرد.

● مشکلات و محدودیت پژوهش‌های مربوط به فرش را چه می‌دانید و چه راهکارهایی برای رفع این معضل وجود دارد؟

مشکل محدود بودن پژوهش یک امر فرهنگی و مربوط به خود ماست. چون که فرش همیشه زیرپا بوده است و نیز به دلیل فراوانی بودنش، همواره پیش پا افتاده تلقی می‌شده است. فرش در ایران در هیچ دوره‌ای از جنبه علمی و هنری مورد بررسی قرار نگرفته است. به طور مثال در فارسنامه ناصری اثر حاج میرزا حسن فسایی که در سال ۱۳۱۳ هـ. ق. نوشته شده است، انواع اطلاعات و در همه زمینه‌های تاریخی و جغرافیایی و اجتماعی و اقتصادی ایالت فارس دیده می‌شود، اما کلمه‌ای در ارتباط با فرش باقی، قالی باقی و گلیم باقی دیده نمی‌شود، در حالی که در مورد گیوه باقی و مثبت کاری مثلاً آیه‌ای اطلاعاتی سودمند به دست می‌دهد. و اگر همین کتاب سندی می‌شد برای محقق، قطعاً فرض می‌شد که در آن دوران در فارس فرش باقی نبوده است، در حالی که نوشته‌های حاجی پیرزاده در سفرش به فارس و با سیدنی چرچیل عضو سفارت انگلیس در تهران در گزارش‌های خود به فرش باقی فارس به تفصیل اشاره می‌کنند و حتی سیدنی چرچیل برای اولین بار از فرش باقی شاهسون یا افشار و یا ایلات عرب فارس نام می‌برد.

همچنین گزارش‌های کنسولی دوره زندیه در آرشیوهای انگلیسی نشان‌دهنده فرش باقی این منطقه و صادرات آن به خارج بوده است.

همان طور که گفته شد فرش نزد ما ایرانیان کمابیش چیز پیش پا افتاده‌ای بوده که ارزش تحقیق علمی یا هنری نداشته است. در متون تاریخ و جغرافیایی اولیه اسلامی، از جمله در «حدودالعالم» و «مسالك و ممالک»ها به صنعت فرش باقی توجه شده و تا یکی دو سده بعد تلاش شده است تا مراکز فرش باقی معرفی شود، اما بعد در متون تاریخی و جغرافیایی تقریباً اسمی از فرش و فرش باقی نیست؛ جز اینکه مثلاً در خزانه هارون الرشید این تعداد فرش بوده است.

● علت محدودیت عناوین کتاب‌های فرش و رابطه آن



را با آموزش، پژوهش و مراکز تحقیقاتی در چه می‌دانید؟

دکتر بضم: ریشه یابی اینکه چرا شمارگان عناوین کتاب‌های فرش محدود است، امری ضروری است. نسبت سرانه کتاب در ایران نسبت به سایر کشورها از وضع خوبی برخوردار نیست. در مورد فرش وضع از این هم بدتر است، به طوری که بیش از ۲۵ یا ۲۶ عنوان کتاب بیشتر در این زمینه وجود ندارد و این امر به نظر من در ارتباط با نبودن تقاضاست. چرا که هنوز از جنبه علمی و تحقیقی به فرش نگاه نشده و اگر کسانی نیز به آن پرداخته‌اند صرفاً از روی عشق و علاقه بوده است. البته چند سالی است که قدم‌های مثبتی برداشته شده و تحولاتی دیده می‌شود. در حال حاضر ۱۲ مرکز آموزشی در جهاد، فرش را به صورت علمی در سطح کاردانی، ۲ مرکز آموزشی در وزارت کار و جهاد دانشگاهی، ۴ واحد در دانشگاه آزاد که فعلاً ۱ واحد به امر آموزش اشتغال دارد و ۵ واحد نیز در دانشگاه‌های دولتی فعالیت دارند.

بنابراین با افزایشی در تعداد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان فرش برخوردار خواهیم شد، به نحوی که در خرداد ماه امسال اولین سری دانشجویان فارغ‌التحصیل می‌شوند و مسلماً باید پایان‌نامه بگیرند و در نتیجه در آینده با افزایش عناوین فرش روبه‌رو خواهیم بود. از طرف دیگر فقدان یک مرکز تحقیقاتی در مورد فرش، معضل دیگری بود که به همت جهاد در سه سال اخیر مرکز تحقیقات فرش به راه افتاده است و تعداد زیادی طرح به مراحل نهایی رسیده و ۲۶ طرح تحقیقاتی و ۲۲ طرح مطالعاتی در حال اجراست که در روند افزایش عناوین فرش مؤثر خواهند بود. در این حرکت تحولی بر تعداد محققین اضافه شده، بودجه اختصاص یافته، طالب و متقاضی مطالب علمی فرش افزایش یافته که همگی نشان از تحولی در ارتباط با فرش است.

● دکتر حصوری: در دوره رضاشاه دو کتاب راهنمای بازار در مورد فرش چاپ شد. با توجه به اینکه فرش ایران اندازه سنتی داشت، زمانی که صادرات جنبه رسمی پیدا کرد و مسئله گمرک پیش آمد، بحث

اندازه‌گیری و ارزیابی نیز مطرح شد که البته هنوز هم اندازه‌های سنتی حاکم بود. یکی از این کتاب‌ها اندازه ذرع قالی نام دارد که جدول‌های مختلف اندازه قالی را داده است و کتاب راهنمای دیگری هم هست که به همین موضوع پرداخته است.

اما در مورد عدم توجه به فرش ایران، به نظر من مهمترین علت این است که بافندگان فرش زن بوده‌اند و تاریخ ما به زنان توجه نکرده است. همین علت تا حدودی در مورد پارچه هم صادق است. به طور مثال میرزا حسن فسایی در فارسنامه در مورد گیوه‌کش‌های آباد به طور مفصل نوشته، اما در مورد قالی قشقایی که از شاهکارهای دنیا می‌باشد، سخنی به میان نیاورده است. در اولین کتاب‌های جغرافیایی چون حدودالعالم، اشکال‌العالم، مسالك و ممالک استخری زمانی به فرش اشاره شده که جزو اموال خانواده‌ها بوده است، مثل اموال خاندان برمکی، دربار هارون الرشید و دیگران. حتی ابوریحان که فرد بسیار دقیقی بوده است در آثارش از جمله تحدید نهی‌ات الاماکن یا آثار الباقیه به نکاتی توجه می‌کند که هیچ‌کس تا آن زمان به آن نپرداخته و حتی آن را علم نمی‌دانستند، از جمله مردم‌شناسی. اما همین ابوریحان به این موضوع ابدأ توجهی نمی‌کند.

فرش امری پشت پا افتاده و فاقد ارزش شمرده شده و حتی امروزه که شاهکارهای فرش ما به صورت تکه و پاره خارج می‌شود، سازمانی عهده‌دار جمع‌آوری اینها نشده است و به اهمیت موضوع هنوز پی برده نشده است، البته کارهایی صورت گرفته ولی بسیار ضعیف است، کاری که امروزه در دنیا ارزش پیدا کرده است و موزه‌های دنیا نیز به دنبال جمع‌آوری این تکه‌ها و قطعات هستند چرا که اینها سند به شمار می‌روند و ارزش تاریخی دارند.

● لطفاً کمی در مورد تاریخچه فرش‌شناسی در غرب توضیحاتی بفرمایید.

● دکتر پرهام: اصولاً خارجی‌ها خیلی زودتر از ما هم از جنبه تحقیقی و هم جنبه ارزش نگهداری به فرش توجه کرده‌اند، از جمله در موزه ویکتوریا آلبرت لندن. در مورد فرش فارس که بنده سال‌ها در این مورد کار کرده‌ام، اولین قطعه‌ای که این موزه در سال ۱۸۸۴ جزو مجموعه‌اش آورده قالیچه‌ای بافت ایلات فارس بوده است. یا مثلاً فرش اردبیل که مهم‌ترین فرش دوره صفوی است در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن نگهداری می‌شود. انتقال این فرش داستانی شگفت دارد، به این ترتیب که یک شرکت انگلیسی که در تبریز کارگاه فرش باقی داشته است، به اهمیت دو فرش موجود در بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی پی برده و به عنوان تعمیر بقعه با استفاده از بی‌خبری متولی این جفت فرش را خریداری و به ترکیه می‌برند و ظاهراً در ترکیه تحت تعمیر قرار می‌گیرد؛ به این ترتیب که حاشیه سالم یکی را به دیگری جفت می‌کنند. و وقتی به انگلستان برده می‌شود به عنوان فرش مقدس اردبیل نام برده و اعلام می‌شود فرش منحصر بقردی است. در سال ۱۸۹۳ همان لنگه مرمت شده توسط موزه به قیمت ۲۰۰۰ پوند خریداری می‌شود. لنگه بی‌حاشیه نیز هم اکنون در موزه لس‌آنجلس محفوظ است. همچنین در سال ۱۸۹۱



نمایشگاه فرش شرقی در وین برگزار می‌شود و چندین جلد کتاب و کاتالوگ هر کدام به طول ۱ متر در نیم متر با عکس‌های رنگی فوق‌العاده منتشر می‌شود. اولین کتابی نیز که در این زمینه نوشته می‌شود اثر لسینگ است، در دهه ۱۸۷۰ مسیحی. از سال ۱۹۰۰ که مامفورد امریکایی کتابش را در مورد فرش شرقی می‌نویسد با روند رو به افزایش نشر کتاب روبه‌رو هستیم. در حالی که در همان زمان، ما در یک بی‌خبری مطلق به سر می‌بریم. نمونه‌اش همین موزه فرش ایران است که بیش از ۳۲ سال از تأسیس آن گذشته است.

البته این نکته را یادآور شوم، فرش‌شناسان و نویسندگان خارجی عمدتاً دست‌اندرکار فرش بوده‌اند، مثل: سیسیل ادوارز، موری ایلند، مامفورد و دیگران. تاجران که اطلاعاتشان را به طور عمده از فرش فروشان و دلالتان بازار فرش به دست می‌آوردند که جنبه تحقیق و تفحص علمی نداشت. در نتیجه اغلب کتاب‌های خارجی نوعی رونویسی از روی دست یکدیگر است. اشتباهات و مطالب نادرست هم وقتی در کتاب‌ها و نوشته‌ها تکرار شد به نوعی جنبه قطعی و مسلم پیدا می‌کند و از نوعی حرمت برخوردار می‌شود که خارج کردن آن از ذهن‌ها کاری دشوار خواهد شد.

در هر حال، غربی‌ها در زمینه فرش‌شناسی حدود یک قرن زودتر از ما شروع به کار کرده‌اند و در طول این مدت دست کم صد نفر به صورت سیستماتیک در زمینه فرش‌شناسی فعال بوده‌اند. در حالی که در بیست الی سی سال گذشته در ایران بیش از چهار پنج نفر نداشته‌ایم که به طور منظم و سیستماتیک و روشمند در جنبه‌های مختلف فرش ایران تحقیق و تألیف کنند.

● وضعیت و جایگاه آموزش و پژوهش را در حال حاضر چگونه می‌بینید؟

● خانم صوراسرافیل: قبل از پرداختن به مسئله آموزش و پژوهش در زمینه سوابق و نوشته‌های مربوط به فرش، لازم است به کتابی با نام «تاریخ اقتصادی عصر قاجار» اثر چارلز عسوی اشاره کنم. در آن ایام سفارتخانه‌ها اغلب در تجارت فرش فعالیت داشتند و گزارش‌های مستقلی درباره اوضاع اقتصادی ایران از

جمله فرش تهیه کردند از جمله گزارش سفارت انگلیس در مورد فرش ایران که در کتاب حاضر نیز نمونه‌ای از این گزارشات آمده است.

در مورد کتاب «رپرت کمیسیون فوق‌العاده تحقیق» که به آن اشاره شد، کتابی است کوچک که در اوائل مشروطه و در زمان سلطنت مظفردالدین شاه نوشته شده و با توجه به شرایط آن زمان، برای جلوگیری از کاربرد رنگ‌های جوهری مقرراتی در نظر گرفته است که شرح آن در کتاب فرش ساروق آمده است.

اما ضمن تأیید بی‌اهمیت شمردن مسئله کار زنان در فرش به طور اخص و به طور کلی چون تولید فرش توسط طبقات حاشیه‌ای و پایین جامعه چون روستاییان و عشایر صورت می‌گرفته، به این حرفه با ارزش، توجهی نشده است. همچنین در این ایام بیشتر کتاب‌های چاپ شده در خارج در ارتباط با فرش ایران با دید علمی و پژوهشی نبوده و در واقع به نوعی ستایش کردن و تحسین هنر ایران بوده است. در این بیان تا حدودی می‌توان به کتاب عالی ایران اثر سیسیل ادواردز اشاره کرد که تا حدودی اطلاعات مفیدی در مورد فرش بافی ۵۰ الی ۶۰ سال پیش به دست می‌دهد. اگرچه وی از شرکای شرکت فرش بوده و از همان شیوه‌های استعماری در تولید فرش استفاده کرده است، ولی اطلاعاتی که در مورد رنگ‌ها، جفتی بافی و شروع تقلبات در آن ایام داده، از نکات مورد اشاره این کتاب است.

اما در مسئله پژوهش در ایران باید بگویم پژوهش در کشور ما در حد هیچ است و هنوز مفهومی ندارد. از دلایل عینی آن همین بس که با وجود ادعاهای تحقیق و بودجه‌های کلانی که به عنوان تحقیق فرش در اختیار برخی نهادها و شرکت‌هاست، فرش ایران حداقل نسبت به ۱۰ الی ۲۰ سال پیش افت کیفی ۱۰۰ الی ۲۰۰٪ داشته است. پژوهش امری بی‌هویت است و به نظر می‌رسد، وضعیت فعلی پژوهش به علت برنامه‌ریزی‌های غلط، عدم شناخت جایگاه واقعی فرش و حمایت‌های نادرست از پژوهش‌های واقعی است. غیر از چند محقق که در حال حاضر در این زمینه فعالیت دارند، غالب کسانی که اظهار نظر می‌کنند از ماهیت فرش مطلع نیستند. به طور مثال اگر از یک تاجر یا یک برنامه‌ریز و مسؤول دولتی بپرسید چرا چنین تفاوتی درونی و ماهیتی بین فرش لیبیان و بلوچ وجود دارد، پاسخی ندارد. و چون تفاوت این طرح‌ها را که امری فرهنگی و هویتی است نمی‌فهمد به بهانه آنکه خریدار خارجی تنوع می‌خواهد حرف از ایجاد دگرگونی در نقشه‌ها، آن هم به وسیله کامپیوتر و غیره می‌زند. در حالی که طرح‌های فرش ایران با نوعی گسترش در عرض متنوع است یعنی ما از طرح لیبیان متجاوز از هزاران فرش داریم که ناشی از بافت به وسیله افراد مختلف است یعنی آن که تفاوت‌ها طولی نیست بلکه تفاوت‌ها عرضی است و از ذهن و اندیشه بافنده و هویت و محیط آنها برخاسته است.

روستایی ما یک طبقه فرهیخته در میان روستاییان دنیا است. چیزی را که به وجود می‌آورند، هنر مطلق است و تمام هویت ملی و بومی در این فرش

### دکتر حصوری:

به نظر می‌آید فرش بافی

محصول فقر باشد. هر جا که

فرش بافی رونق دارد، رونق

اقتصادی در آن منطقه

دیده نمی‌شود و هر جا

فقر و سختی پیدا شود فرش بافان

زیاد می‌شوند

در حال حاضر به علت

خشکسالی در شرق ایران

عده زیادی

به بافندگی روی آورده‌اند.

جلوه گر می‌شود.

این دید و این فرهنگ که ما به جای فرش، کامپیوتر را جایگزین کنیم، منجر به این می‌شود که این فرهنگ در تمامی جامعه عمومیت یافته و دانشگاه‌ها و اصولاً تحقیقات نیز در این مسیر قرار بگیرند. بودجه‌ای که به فرش ماشینی اختصاص می‌یابد، در صورتی که به فرش دستباف و به تحقیق و پژوهش اختصاص داده می‌شد قطعاً نتیجه مطلوب‌تری گرفته می‌شد. کامپیوتر در جایی باید مورد استفاده قرار بگیرد که جنبه تخریب فرهنگ را به عهده نگیرد. فرش و

دکتر کیخسرو ستیحا



نقش فرش دقیقاً مثل زبان است و ما حق دخل و تصرف در آن را نداریم. آیا کامپیوتر می‌خواهد یا می‌تواند هویت فرش ایرانی و فرهنگ ایرانی را نشان بدهد. پس اول باید بدانیم که از فرش چه می‌خواهیم. فرش دستباف ایران برای خود مفهوم دارد، یعنی حضور انسان و آن هم انسان ایرانی و مسلماً انسان را نمی‌توانیم به راحتی با کامپیوتر جایگزین کنیم. بنابراین در امر پژوهش با برنامه‌ریزی‌های نستجیده‌ای روبه‌رو هستیم که مثلاً ناگهان بودجه کلانی برای ساخت دستگاه‌های بافنده مکانیکی و معلوم نیست با منافع چه گروهی ساخته می‌شود. همچنین حضور و حمایت بخش خصوصی نیز بسیار مهم است ولی متأسفانه بخش خصوصی ما هم فاقد هویتی تخصصی و کارشناسانه است. در حالی که دیده می‌شود در نقاط مختلف دنیا تاجر حداقل یک سابقه ۵۰۰ ساله دارد و از تجربه‌ای بالایی در زمینه تولید فرش برخوردار است و در مورد کار خویش آینده نگری دارد و برای تحقیقات در زمینه تولید و فروش سرمایه گذاری می‌کند بخش دولتی هم از کارایی کافی برخوردار نبوده و غالباً از مسایل فرش ایران بی‌اطلاع است و در نتیجه، آینده چنین فرش‌های مشخص است. تحقیق و پژوهش باید توسط کارشناسان مستقل و بودجه مناسب صورت گیرد. صنعت فرش ما، با توجه به تعداد اندک کارشناسان مستقل و عدم استفاده از دیدگاه‌های علمی در زمینه فرش در وضعیت بحرانی قرار دارد.

● دکتر سبحة: در این مورد که چرا کتاب در زمینه

فرش کم است و شاید تعداد آنها به بیش از ۲۵ اثر هم نرسد باید گفت چون پژوهش کم است و چرا پژوهش کم است چون هم پژوهشگر کم داریم و هم مشتری پژوهش و هم ارباب رجوع و مصرف‌کننده پژوهش. اما باید دید چرا تعداد پژوهشگر کم است؟ اصولاً پژوهشگر کسی است که توان علمی و انگیزه دارد و در مورد فرش این شخص باید توان تجربی هم داشته باشد و ارتباط با تولیدکننده، بافنده، رنگرز و طراح و هنرمند فرش داشته باشد و از عشق و علاقه هم برخوردار باشد و از این افراد متأسفانه خیلی کم داریم. چرا مشتری پژوهش کم است چون فرش ماهیت سنتی دارد و اشخاص مرتبط با فرش با دید غیر علمی و سنتی به فرش اعم از تولید و فروش آن می‌نگرند و نمی‌دانند که از طریق پژوهش و انجام کارهای علمی می‌توانند به منافع اقتصادی هم برسند.

ما نیاز به پژوهش را حس نکرده‌ایم. برخی از پژوهشگران هم به دنبال مسایل کاربردی نرفته‌اند و پژوهش‌های نظری کرده‌اند که به درد امروز اقتصاد فرش نمی‌خورد و در نتیجه خریداری هم ندارد. از طرف دیگر بازرگانان فرش هم فکر نمی‌کنند افرادی هستند که می‌توانند با تحقیق و بررسی در زمینه‌هایی چون طراحی، رنگرزی و بافت به تولید بهتر و یا بازاریابی کمک کنند.

به نظر من ابتدا باید پژوهش‌های صورت گرفته را فهرست کنیم و به اطلاع همه برسانیم و بگوییم که تاکنون چه کارهایی انجام داده‌ایم. یک مشکل دیگر در رابطه با پژوهش، مشکل تقدم آموزش بر پژوهش است. ساده‌تر بگوییم آموزش حق پژوهش را خورده است و استادان نیز بیشتر ترجیح می‌دهند به تدریس بپردازند تا تحقیق که هم بازده مالی ندارد و هم ممکن است مورد استفاده قرار نگیرد.

● چرا نیاز به پژوهش حس نشده است، و این نیاز را چگونه می‌توان میان برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران دامن زد تا به یک کارکرد علمی خوب رسید؟

● دکتر حصوری: اصولاً پژوهش در ایران چه پیش از انقلاب و چه بعد از آن یک پدیده سیاسی-مادی است، یعنی پژوهش اصالت ندارد. در دوره قبل از انقلاب جزوهای نوشته و سخنرانی کرده بودم، که اخیراً نیز چاپ شد راجع به اسطوره ضحاک. در این سخنرانی مثلاً به یک پادشاه اساطیری یعنی جمشید مطلبی گفته بودم که این امر مشکلاتی را برایم پدید آورد و جنبه مادی آن نیز روشن است. به نظر من اینکه گفته می‌شود پژوهشگر یا پژوهش کم است، این تنها ظاهر قضیه است. باطن قضیه چیز دیگری است. مسئله این است که ما انگیزه راه انداختن پژوهش اصیل را نداریم، پژوهشگر اصیل بسیار کم داریم و در نتیجه پژوهش اصیل کم خواهد بود ولی پژوهش اصیل می‌ماند. می‌بینیم که از جنبه مادی، پژوهش اصولاً ارزشی ندارد در مقابل ترجمه چندین برابر آن ارزش پیدا می‌کند. زمانی که مرکز تحقیقات فرش تاسیس شد و مسئله پول به میان آمد، عده زیادی پژوهشگر پیدا شد. مشکل ما این است که خودمان اصالتاً تفکر علمی نداریم، تقاضای دانش نمی‌کنیم، کنجکاوی علمی نداریم و انگیزه درست و حسابی نیز

دیده نمی‌شود.

الان مسئله‌ای که فوق‌العاده رونق گرفته است پژوهش کاذب است، و به دنبال آن عنوان کاذب درست کردن و در نهایت کتابسازی کردن. به طور نمونه در این ۲۵ یا ۲۶ عنوانی که در بازار موجود است کتابی است که بسیار رایج است. من جایی نوشته‌ام فرش خمسه (یعنی زنجان) رو به زوال است. در حالی که ایشان تنها عنوان را دیده و فکر کرده‌اند منظورم خمسه فارس است و نوشته‌اند حصوری گفته است که فرش خمسه فارس رو به زوال است، این در واقع کتابسازی است.

دکتر کیخسرو ستیحا



وضعیت آموزش ما هم معلوم است. ما در حال حاضر استادانی داریم که شش کلاس بیشتر درس خوانده‌اند اما اتفاقاً برخی از آنها استادان خوبی هم هستند چون حداقل، بافندگی را می‌دانند. مثلاً در دانشگاه‌ها دوره‌های کارشناسی فرش تاسیس می‌شود، بعد کسی که کارشناس مدیریت است به تدریس دروسی چون تکنولوژی بافت، نقشه‌کشی، طراحی، تاریخ فرش که دروس بسیار تخصصی است انتخاب می‌شود. خوب نتیجه مشخص است و از خیل فارغ‌التحصیلان، یکی نمی‌تواند کار درستی انجام دهد. دانشجو چرا کار درست نمی‌کند چون می‌بیند استادش این کار را نمی‌کند. چون می‌بیند استادش بدون توان علمی لازم و بدون تحمل زحمت مدارجی را طرح کرده است.

● خانم صوراسرافیل: مسئله فرش در ایران، امر پیچیده‌ای نیست. سال‌هاست که فرش بافته می‌شود و نیاز بالقوه به فرش نیز وجود دارد. و این هنر نیاز به کار علمی دارد و این نیاز را رنگرز دارد نیازی که قالی‌باف و دانشجو دارد. این هنر پویا و اصیل سنتی باید با شیوه‌های علمی حفظ شود و علمی کردن فرش نه به این معناست که کامپیوتر بیاید و جایگزین انسان شود. نکته دیگر، چهل و بی خبری است. به طور مثال شما در میزگردهای فرش هرگز محقق و پژوهشگر نمی‌بینید. در کمیته بندهم نیز که تشکیل می‌شد نشانی از نهادهای تولیدکننده فرش که خود دارای منافع بوده و از طرح معیوب فرش خودداری می‌کنند، محقق و پژوهشگر

مستقل دیده نمی‌شد. فرش علمی چون مدافعی ندارد و از آن حمایت نمی‌شود، بیشتر به وسیله تجار و حمایتگری ندارد مسئله مهم این است که چگونه مسایل و مشکلات فرش را با دیدی علمی و کارشناسانه به برنامه‌ریزان انتقال بدهیم. ما می‌خواهیم درآمدهای سه میلیارد دلاری از فرش داشته باشیم، خوب باید از صادرات کیفی خوبی هم برخوردار باشیم تا انتظار رقابت با فرش‌های خوب مثلاً چینی را داشته باشیم. به طور مثال در مجلات فرشی که امروزه در ایران چاپ می‌شود، اکثر مطالب و مباحث مربوط به گمرک،

### دکتر پرهام:

مشکل محدود بودن پژوهش یک امر فرهنگی و مربوط به خود ماست. چون فرش همیشه زیر پا بوده و به دلیل فراوان بودنش همواره پیش پا افتاده تلقی شده است.

ارز، دلار، موانع دولت و... است. یعنی یکی از این تجار نمی‌گویند که بر روی فرش‌های صادراتی کنترل و نظارتی هم اعمال شود. از نظر من راه حل شناخته شده است، نیازها مشخص است. ما کارشناس علمی نداریم، حمایتگر نداریم، برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزان آشنا به کار نداریم.

● دکتر بظام: به نظر من اینکه چرا کتاب کم چاپ می‌شود و چگونه باید اضافه شود، بستگی به تقاضا دارد. پژوهش در این جهت می‌تواند به تقاضا جواب دهد. یعنی باید تقاضایی وجود داشته باشد تا پژوهشی صورت گیرد. چرا که طرح‌های تحقیقاتی صورت گرفته در رشته‌های دیگر هم گواه این است که اکثراً در کتابخانه‌ها بلااستفاده باقی مانده‌اند، حتی در بعضی موارد به چاپ هم رسیده‌اند، اما مشکل تحقیق حل نشده است. در مورد فرش تحقیق بسیار کم انجام شده است. ابتدا باید تحقیقات فرش را شروع کرد و در حین عمل مشکلات آن را حل کرد از طرف دیگر فرش یک موضوع بین رشته‌ای است در مسائلی فنی، در بعد مکانیک، نساجی، اقتصاد فرش، مسائل اجتماعی فرش، مسائل تاریخی و هنری مربوط به فرش که البته در این مورد مقداری کار شده است. به هر حال این گسترش باید ایجاد شود. گسترش تقاضا، گسترش پژوهش و نهایتاً چاپ کتاب و مسائل دیگری چون انتشارات و مسائل بروکراسی مربوط به آن که از موانع موجود در امر پژوهش به شمار می‌رود.

● دکتر پرهام: منبع پژوهشی دیگری که می‌توان به

آن اشاره کرد، کنفرانس‌های بین‌المللی فرش بود که توسط مرکز توسعه صادرات در طی ۶ سال برگزار شد و مطالب و مقالات ارزنده‌ای از محققین ایرانی و خارجی در این جلسات ارائه شد که خوشبختانه همگی نیز چاپ شده است و می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

● دکتر حصوری: برخی اقدامات نادرست، نابخواب و عجولانه نیز از مشکلاتی است که در آموزش و پرورش دیده می‌شود مثلاً به محض اینکه بحث علمی شدن فرش مطرح می‌شود، بلافاصله بر تعداد دانشگاهها افزوده می‌شود، درحالی که ما با کمبود استاد رو به رو هستیم، استادانی که از توان علمی کافی برخوردار نیستند و نتیجه نیز این می‌شود که دانشجو نیز ضعیف پرورده شود و این دور و تسلسل ادامه پیدا می‌کند.

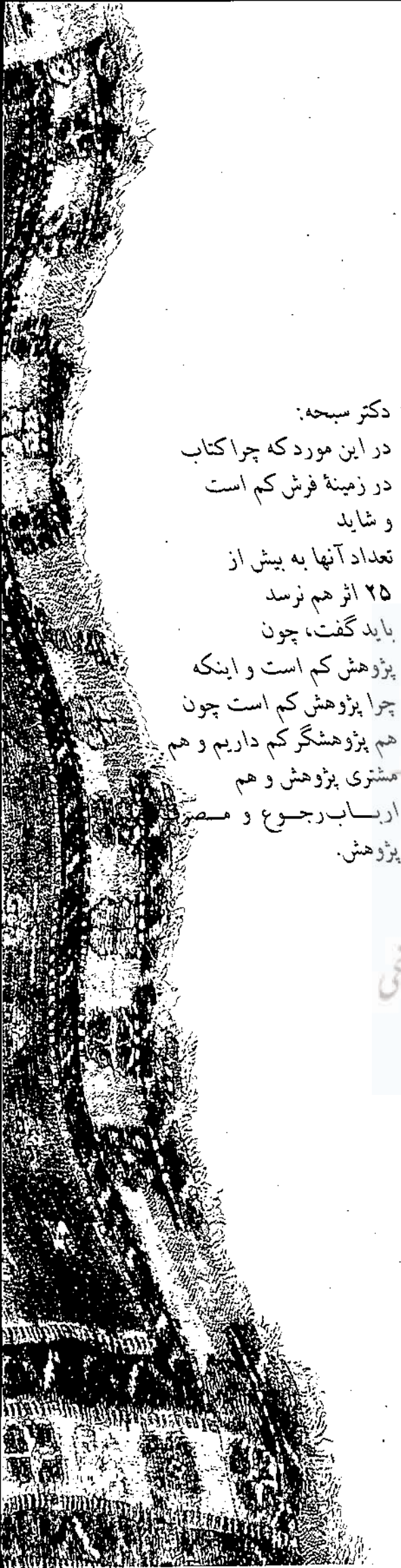
ما استاد نمی‌پرورانیم، بلکه دانشگاه درست کرده‌ایم تا استادانی جهت جایگزینی و رفع کمبود استادان دانشگاهها داشته باشیم. نتیجه این می‌شود که چه در امر آموزش و چه در پژوهش، استاد، دانشجو و پژوهشگر اصولی تربیت نمی‌شود و کتاب اصولی نیز چاپ نمی‌شود. به نظر من این مسئله زنجیر پیچیده‌ای است که نیاز به اصلاح کلی دارد. مثلاً مهندس پرورنده می‌شود اما نخبگان آنها به خارج می‌روند چون کارخانه‌ای نیست. پس مشکل معیوب بودن کار و سیستم است و نیاز به اصلاح اساسی دیده می‌شود.

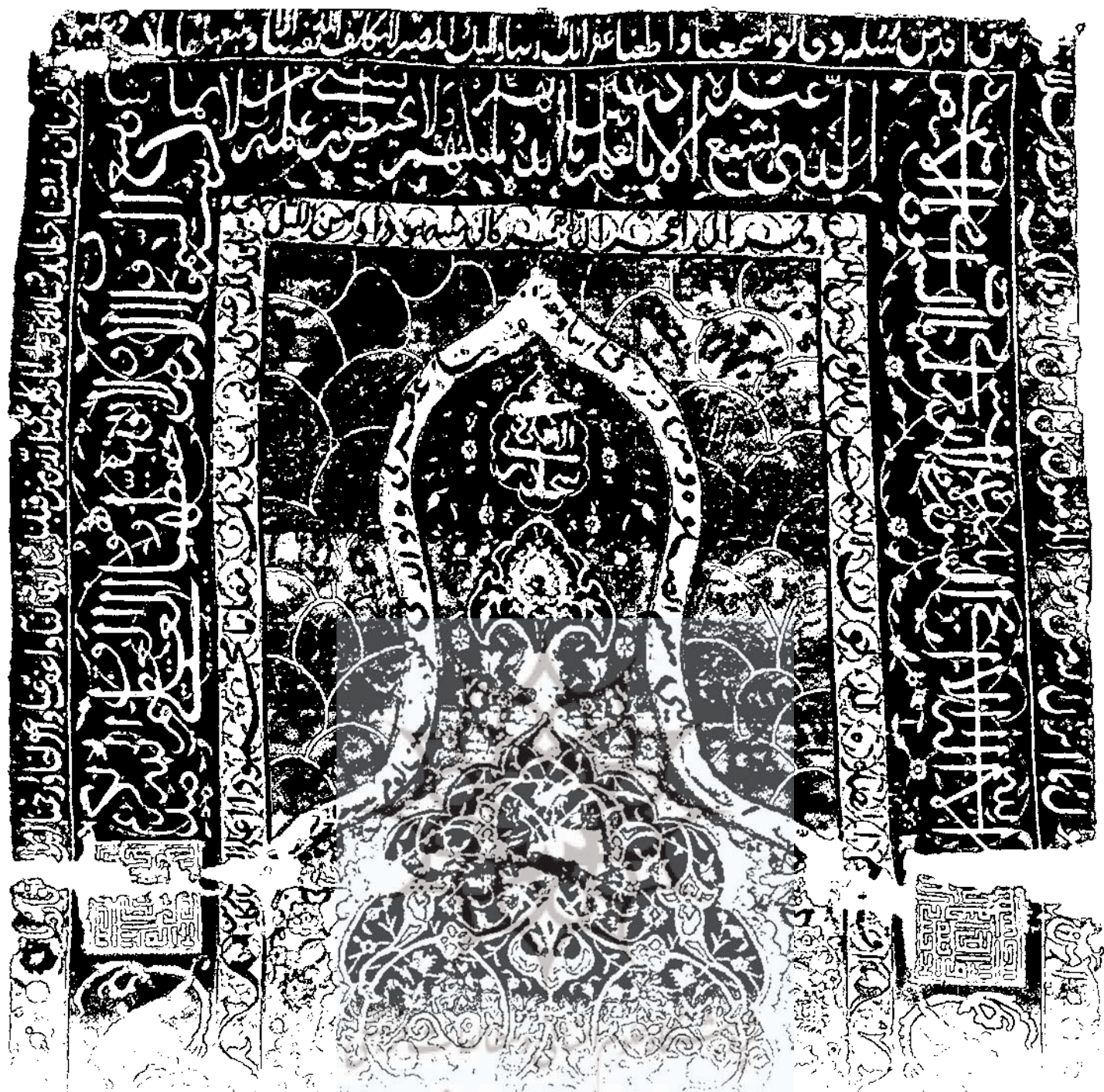
● خانم صوراسرافیل: مشکلی که در حال حاضر در دانشگاه‌های ما وجود دارد، عدم مطابقت سرفصل‌ها با نیازهای دانشجو است، چون چیزی که تدریس می‌شود با نیاز دانشجو تطبیق ندارد و این نیازها در پشت میز به دست نمی‌آید. متأسفانه از همان ابتدا انتخاب سرفصل‌ها به بخشی داده شد که تفکر سنتی داشتند، از جمله حوزه‌هایی چون تذهیب، نگارگری و... و این برای دانشجوی فرش که رشته‌ای پویاست آموزش داده می‌شود. مثلاً دانشجوی کرمانی، کاشانی یا یزدی به تبریز می‌رود و سیستم قالی‌بافی تبریز را به او یاد می‌دهند و یا وی را به بیرجند می‌برند و جفتی بافی را به او می‌آموزند، بدون اینکه اینک به تفکر سنتی، بدون اینکه به منطقه بروند و بدون اینکه استادان خوبی داشته باشند. همگی بی‌استثنا می‌خواهند پشت میز بنشینند و حاضر نیستند به روستاها بروند. مثلاً کارشناس رنگرزی شوند یا کارشناس طراحی بشوند و این نتیجه‌ای جز سرخوردگی عمیق در رشته فرش نخواهد داشت. البته می‌توان با تجدیدنظر در برنامه‌ها، نظرخواهی و تشکیل جلسات مشترک و ارائه برنامه‌های صحیح و تربیت مدرس در این راه قدم‌های مؤثری برداشت، مدرسینی که از دانش فنی برخوردار باشند از جمله مهندسين نساجی که با طی دوره‌های عملی مشکل استاد در این رشته تا حدودی مرتفع شود.

● دکتر حصوری: همان‌طور که گفته شد مشکل کار اینجاست که تعیین سرفصل‌ها توسط متخصصین انجام نگرفته است. سرفصل را کسی باید بنویسد که سال‌ها سابقه تدریس در این رشته را داشته باشد. کسی که مثلاً متخصص خط نستعلیق بوده چگونه می‌تواند برای این رشته سرفصل بنویسد. از طرفی چون این رشته سابقه‌ای نداشته است بنابراین ضروری است که

### دکتر سبحه:

در این مورد که چرا کتاب در زمینه فرش کم است و شاید تعداد آنها به بیش از ۲۵ اثر هم نرسد باید گفت، چون پژوهش کم است و اینکه چرا پژوهش کم است چون هم پژوهشگر کم داریم و هم مشتری پژوهش و هم ارباب رجوع و مصرف پژوهش.





## پرتال جامع علوم انسانی

متداول، مسلماً به زمان زیادی نیاز است که عجلاناً فرصت نیست. با تعجب مشاهده کردم که روی این برنامه باز هم اصرار می‌ورزند، برای اینکه همان طور که گفته شد متأسفانه امر تدریس در بیشتر کلاس‌ها جنبه رفع تکلیف پیدا کرده است.

● دکتر سبحه: به عقیده من یکی از کارهای اساسی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری جلوگیری از ایجاد رشته‌های جدید فرش و توسعه کمی در این زمینه است و از طرف دیگر غنی کردن محتوا و در دسترس گذاردن منابع و مآخذ جدید در مورد فرش است. این وزارت‌خانه با بودجه پژوهشی که در اختیار دارد، باید سفارش پژوهش در زمینه‌های گوناگون فرش را به محققین مربوطه بدهد. در رابطه با کتب و منابع فرش نیز حمایت

علمی این رشته بسیار نازل است. در این باره راه‌حلی به نظرم نمی‌رسد، چون برای اغلب دانشگاه‌ها و استادان، مسئله جنبه رفع تکلیف پیدا کرده است که به ترتیبی دوره‌ای که دانشجو در آن ثبت نام کرده تمام شود و برای دوره بعدی ثبت نام شود!

در نتیجه این وضع، در اغلب موارد به مشکلات و راه‌حل‌های آن و تحقیق و پژوهش هم توجه نمی‌شود. به طور مثال از من خواسته شد که در یک دوره تدریس ۱۶ جلسه‌ای که هر جلسه آن ۲ ساعت بود در مورد تاریخچه نقشمایه‌ها صحبت کنم. در جواب گفتم درباره نقشمایه بته‌جقه‌ای در حدود چهار سال کار کردم و نتیجه آن یک مقاله چهار صفحه‌ای بود که در مجله نشر دانش\* چاپ شد. بنابراین برای حداقل ۴۰ تا ۵۰ نقش

از متخصص این رشته استفاده شود. این سرفصل‌ها باید از نو نوشته شوند و وزارت علوم واقعاً مسؤول است. مسئله دیگر زبان است که متأسفانه به آن بها داده نمی‌شود با اینکه می‌دانیم اساس تحقیقات فرش به زبان‌های دیگر است. کسی که حداقل آگاه به انگلیسی و آلمانی نباشد نمی‌تواند یک محقق و پژوهشگر فرش شمرده شود. چگونه می‌تواند از منابع موجود به زبان فرانسه و دیگر زبان‌ها استفاده کند؟

● دکتر پرهام: در چند سال اخیر، با افزایش دانشگاه‌ها و ایجاد رشته‌های فرش در سطوح مختلف دانشگاهی (که در جای خود مایه خوشوقتی است) روبه‌رو بوده‌ایم، متأسفانه به علت کمبود استادان صاحب صلاحیت و جذب استنادی با توان علمی پایین سطح



دکتر بهنام

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمینه تالیف و ترجمه کتاب و تخصیص ارز برای خرید کتب و مجلات خارجی فرش می تواند در زمینه غنی سازی و در دسترس گذاردن منابع کمک مؤثری بنماید. پژوهشگران و دانشجویان فرش قادر نیستند با ارز آزاد به تهیه کتب و مجلات فرش بپردازند و نه می توانند آنها را بخوانند و نه به ترجمه آنها اقدام کنند. وزارت ارشاد باید در این مورد به اهل قلم کمک کند.

● دکتر بهنام: در حال حاضر ما در حدود ۱/۸۰۰/۰۰۰ بافنده طبق آمار داریم. اگر فرش دستباف را با دید صنعتی نگاه کنیم، برای هر ۱۰۰ نفر بافنده، نیاز به یک سرپرست داریم و یک هرم انسانی مطلوب از جهت نیروی انسانی لازم خواهیم داشت. در نتیجه اگر هر ۱۰۰ نفر، یک تحصیلکرده بخواهد، حدود ۱۸۰۰۰ نفر تحصیلکرده می خواهیم. حال ما باید دست روی دست بگذاریم که فقط تعدادی نخیه پرورش بدهیم که متولی این کار باشند. به نظر من باید نظرات این نخبندگان فرش را به عنوان تابلویی برای دست اندرکاران و برنامه ریزان قرار دهیم. ما به حرکت نیاز داریم و در این حرکت هم باید دید اصلاح گری داشته باشیم. دوستان گفتند که سرفصل ها مشکل دارد و این واقعیتی است که باید مورد توجه قرار گیرد. به طور مثال درسی گذاشته شده که اصلاً به درد دانشجو نمی خورد و از طرف دیگر درسی را که مورد نیاز دانشجو است در سرفصل ها نیآورده اند.

بحث دیگر مسئله استاد و کمبود آن از یک طرف و از طرف دیگر عدم ارتباط با آنهاست. دوره هایی برای آنها گذاشته نمی شود. باید از نظرات نخبندگان فرش، کسانی که سال ها در این مسیر قدم گذاشته اند بهره گرفت. باید از این پژوهشگران فعال در مراکز پژوهشی استفاده کرد. از طرفی باید به دانشجو فهماند که حرف استاد آخرین حرف نیست، دانشجو باید جستجوگر باشد و هر بیانی را وحی منزل نداند. نقش وزارت علوم نیز در این مسیر ضروری است و می بایست گردهمایی های منطقه ای و زمانی ترتیب دهد. به منابع و ماخذ و جایگاه آن بهایی بیشتر داده شود. کارگاه های آموزشی و سخنرانی نیز می تواند بسیار مفید باشد. از طرفی تعداد کم کتاب در زمینه فرش، در مقطعی باعث شده تا کتاب هایی چاپ شود که پر از اشکال است و این کتاب ها باید اصلاح شود. بنابراین اگر از مولفین حمایت شود، و با گسترش عناوین کتاب رو به رو شویم، این یک حرکت رو به جلو خواهد بود و البته ممکن است در بعضی کتاب ها اشکال هم باشد ولی باید حرکت کرد. و در این حرکت اگر دید اصلاح گرایانه باشد می توانیم به نقطه ای برسیم که کلیه کتاب ها بی اشکال باشند.

● دکتر حصوری: من عملیاتی فکر کردن را تحسین می کنم. در مورد آماري که در مورد تعداد بافنده ها داده شد باید بگویم که ما ۱/۸۰۰/۰۰۰ بافنده نداریم. گذشته از اینکه بسیاری از اینها از بسیاری از استادها بهترند، مثل بافنده های تبریز، اسکو و نقاط دیگر آذربایجان که نیازی به این استادان یا کارشناسان ندارند. ما در ۵۰ سال پیش فرش تولید می کردیم، بدون اینکه تحصیلکرده ای داشته باشیم، چون به طور سنتی یاد

دکتر حصوری:  
یکی از مهم ترین علل عدم توجه به فرش ایران این است که بافندگان فرش زن بوده اند و تاریخ ما به زنان توجه نکرده است. و همین دلیل تا حدودی در مورد پارچه هم صادق است.

دکتر بهنام:  
در حال حاضر، ۱۲ مرکز آموزشی در جهاده فرش را به صورت علمی در سطح کاردانی ۲ مرکز آموزشی در وزارت کار و جهاد دانشگاهی ۴ واحد در دانشگاه آزاد که اکنون تنها یک واحد به امر آموزش اشتغال دارد و ۵ واحد نیز در دانشگاه های دولتی فعالیت دارند.

گرفته بودند و لوازم برای ارائه کار خوب هم فراهم بود. به طور مثال اگر فرش خرابی تولید می شد، تنبیه در کار بود. خریداری نمی شد و بافنده مجبور بود فرش بهتری تولید کند. در حالی که الان فرش با کیفیت نازلی تولید شده و به فروش هم می رسد. پس مهم آن است که استاد بافنده درست باشد.

نکته بعدی این است که اگر وضعیت اقتصادی بهبود پیدا نکند قطعاً اکثر بافنده ها دست از بافندگی خواهند کشید. اینکه گفته می شود این تعداد بافنده داریم، مولود وضع بد اقتصادی است و این بیماری نباید ما را به این سو بکشانند که بخواهیم افراد تحصیلکرده را نیز به همین نسبت گسترش دهیم. این تعداد بافنده مصنوعاً درست شده و مولود وضع بد اقتصادی است. به نظر من فرش بافی محصول فقر است. شما ببینید هر جا که فرش بافی رونق دارد، رونق اقتصادی در آن منطقه دیده نمی شود و برعکس هر جا فقر و سختی پیدا شود، فرش بافان زیاد می شوند. هم اکنون به علت خشکسالی در شرق ایران عده زیادی به بافندگی روی آورده اند. اینک به فکر تأسیس کارشناسی ارشد برای رشته ای هستند که آینده اش روشن نیست.

● خانم سوراسرافیل: به نظر من مشکل در محتواست نه در فرم آن و معتقدم یکی از عوامل حفظ روستاها فرش و فرش بافی است. البته در شرایط فعلی، نحوه مدیریت اعمال شده بر فرش نیز جای هیچ گونه دفاعی را باقی نمی گذارد. در عین حال معتقدم که این گونه نیست که فرش بافی محصول فقر باشد چنان چه مثلاً در نایین که فرش های بسیار خوبی تولید می کنند بافندگان از وضع اقتصادی خوبی هم برخوردارند. نکته دیگری که ذکر آن لازم است اینکه آموزش مطابق با تولید فرش و صادرات آن باشد و تجدیدنظری در سرفصل ها صورت گیرد. مشکلات چاپ، حمایت بخش خصوصی از چاپ کتاب، حمایت متعهدانه بخش دولتی و دادن سوبسید به نویسندگان کتاب های فرش و خریداران آنها، ترجمه و سوبسید دادن به مجلات خارجی و در اختیار قرار دادن آن، استفاده از کاغذ و امکانات چاپ ارزان برای کاهش قیمت تمام شده به محققین، استادان و دانشجویان و حمایت از مولفین می تواند از نکات مورد توجه باشد.

\* این مقاله با عنوان «از سرو تا بته» در شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۸، مجله نشر دانش به چاپ رسیده است